

سازمان‌دهی شرکت سردفتری در پرتوی نمایندگی حاکمیت سردفتر (با بهره‌گیری از آورده‌های حقوق تطبیقی)

(مقاله علمی-پژوهشی)

سید عباس سیدی آرانی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

چکیده

سازمان‌دهی اجرای مشارکتی حرفه‌ای با ویژگی نمایندگی حاکمیت در نظام حکمرانی شایسته محل گفت‌وگوست. تردیدی در نمایندگی حاکمیت سردفتر برای انجام امر حاکمیتی ثبت سند نیست. اعطای سهمی از قدرت حاکمیت و نظارت همیشگی و همه‌جایی بر سردفتری بی‌دلیل نیست. در اجرای مشارکتی بیم محو این اقتدار با حجاب شخصیت حقوقی و ایجاد نگرش منفی نسبت به این بخش می‌رود: می‌توان با بهره‌گیری از آورده‌های حقوق تطبیقی و سازمان‌دهی صحیح اجرای مشارکتی ارائه طریق نمود. تجربه اجرای مشارکتی سردفتری فرانسه نشان می‌دهد ساختارها شکسته نمی‌شوند، بلکه قالب‌ها تغییر می‌کنند. در این شرایط، قانون‌گذار برای سازمان‌دهی اجرای مشارکتی، با توجه به حضور سردفتر شریک، امر حاکمیتی ثبت سند و استمرار آن را حفظ و با اطمینان از وجود شخصیت حقوقی آن را تقویت می‌کند. از یک‌سو، انتظام و انضباط، موافقت و انتصاب، انتقال و انفصال، زیر ذره‌بین حاکمیت انجام می‌شوند. از سوی دیگر، با وجود شخصیت حقوقی و پیوند ایجادشده میان شرکا در نبود یک یا چند شریک، فعالیت شرکت با کفالت سایر شرکا ادامه می‌یابد، مجازات انتظامی شرکت امکان‌پذیر می‌شود و موارد رد یک شریک به دیگری گسترش پیدا می‌کند. در این شرایط کافی است تا اسباب انحلال کاهش یابد و اثر قهقرایی بطلان از بین برود تا پازل استمرار امر حاکمیتی ثبت سند تکمیل و جلوه‌هایی از حاکمیت شایسته در دفترخانه متجلی شود.

کلیدواژه‌گان:

اجرای مشارکتی، نمایندگی حاکمیت، شرکت سردفتری، امر حاکمیتی ثبت سند، سردفتر.

* استادیار، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان

مقدمه

استقلال، حاکمیت اعتماد و اطمینان در روابط و سوداگرانه‌بودن، ویژگی‌های عام حرفه‌های آزاد، مانند سردفتری، وکالت و طبابت هستند. استقلال، حرفه‌ای آزاد را از کارمند متمایز می‌کند؛ نظارت، برنامه‌ریزی و کنترل، وی را به اقتدار کارفرما یا احکام قدرت عمومی وابسته نمی‌کند. عدم کسب سود حداکثری که همان سوداگری است، وجه تمایز وی از تاجر است. ویژگی صلاحیت علمی که پس از طی آزمون‌ها و گذراندن دوره‌های کارآموزی طولانی به‌دست می‌آید، موجب تمایز حرفه‌ای آزاد از سایر اشخاص می‌شود. «اعتماد آگاهانه» مشتری، ارمغان این صلاحیت می‌باشد که خود دلیل وجودی سایر ویژگی‌هاست؛ این نوع اعتماد دلیلی برای ضرورت استقلال در اجرای فعالیت و نیز غیرقابل ارزیابی بودن خدمات ارائه شده است.

تردیدی نیست که در اجرای مشارکتی حرفه و در سازمان‌دهی قواعد شرکت، لازم است مقرراتی سازگار با حرفه و حول محور این ویژگی‌ها وضع شود. در اجرای مشارکتی، بیم آن می‌رود که با وضع قواعدی ناسازگار در موضوع سرمایه، اختیارات شرکتی و نیز حقوق شریک، به ویژگی استقلال حرفه‌ای خدشه وارد شود. این امکان نیز وجود دارد که با از بین رفتن آزادی انتخاب مشتری، رابطه اعتماد و اطمینان وی با حرفه‌ای آزاد تحت تأثیر قرار گیرد. البته در اجرای مشارکتی، مسئله تفاهم میان همکاران شریک نیز مطرح است. نحوه پرداخت اجرت شرکا و مالیت یافتن مشتری نیز می‌تواند به ویژگی نفی سوداگری آسیب زند. مناسب است قانون‌گذار با وضع مقرراتی این نگرانی‌ها را کاهش دهد.^۱

در این میان، سازمان‌دهی اجرای مشارکتی سردفتری پیچیدگی خاصی دارد؛ این حرفه دارای ویژگی منحصر به فردی است که سایر حرفه‌های آزاد از آن بی‌بهره‌اند. ثبت سند، موضوع حرفه سردفتری است^۲ و از اعمال حاکمیتی محسوب می‌شود.^۳ بی‌دلیل نیست که حاکمیت سهمی از قدرت خویش را به سردفتر اعطا نموده است. نشانی از این واقعیت در قطعی و لازم‌الاجرا بودن

۱. سیدی آرنی، سیدعباس، **سازماندهی موسسات حقوقی در پرتوی موضوع فعالیت**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۹، شماره ۹۰، صص ۲۳۳-۲۰۷، ۲۱۰.

۲. ماده ۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴ _ یاد شده از آن در این مقاله با نام «قانون ۱۳۵۴» و ماده ۴۹ قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰.

۳. بنده ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶.

سند رسمی همچون حکم دادگاه تجدیدنظر وجود دارد. نمی‌توان از سردفتر نام برد، ولی ثبت سند را مطرح نکرد. واقعیت این است که حرفه سردفتری حول محور «امر حاکمیتی ثبت سند» می‌چرخد. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار به منظور سازمان‌دهی شرکتی برای سردفتر، این هسته مرکزی را نقطه پرتو قرار دهد تا جلوه‌ای از نظام حکمرانی شایسته را به تصویر کشد.

تردیدی در مداخله قانون‌گذار برای سازمان‌دهی شرکتی با موضوع اجرای مشترک چنین حرفه‌ای وجود ندارد؛ زیرا اکثر مقررات این حوزه، تکالیفی را برای شرکای سردفتر ایجاد می‌کند که فقط قانون می‌تواند آنها را تحمیل نماید. هرچند اراده در سازمان‌دهی شرکت‌های سردفتری، نقش مهمی ایفا می‌کند، منتهی چون سردفتر نماینده حاکمیت است، لازم است تا او با پاره‌ای قواعد امره محدود و با برخی قواعد تکمیلی ارشاد شود. البته نبود مفهوم شرکت و مقررات شرکت مدنی در قانون مدنی نیز خلایق بزرگ ایجاد نموده است؛ زیرا همین مقررات، قواعد عام شرکت سردفتری را تشکیل می‌دهند. بدون تردید، نمی‌توان در این مختصر تمام امور را در حقوق ملی سازمان‌دهی نمود.

با نبود مفهوم شرکت در قانون مدنی،^۱ مقررات قانون تجارت در موضوع مؤسسات غیرتجارتی^۲ به دلیل ماهیت مدنی موضوع، به‌عنوان قواعد عام حاکم بر شرکت سردفتری اعمال می‌شوند. البته مقررات این حوزه ناکارآمد، ناکافی و محدود به چند مقرر^۳ هستند. در این شرایط، در موارد حاکمیت اراده شرکت، سردفتران شریک برای تعریف روابط خود و اشخاص ثالث، به مقررات قانون تجارت استناد خواهند کرد. در نبود راهکار در قانون تجارت، اصول کلی حقوقی به کمک خواهند آمد؛ مسئله، ناسازگاری این قواعد با ویژگی منحصر به فرد سردفتری است.

قانون‌گذار فرانسه با آگاهی از این مشکلات، قانون شماره ۸۷۹-۶۶ مصوب ۱۹۶۶ راجع به «شرکت مدنی حرفه‌ای»^۴ را تصویب نمود و به حرفه‌ای‌های آزاد، از جمله سردفتران، امکان داد تا ضمن پذیرش اجرای مشارکتی، برخی از ویژگی‌های حرفه خویش را حفظ نمایند. برابر ماده ۱

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص اختلاط میان مفهوم اشاعه و شرکت در قانون مدنی ایران رک: سیدی آرانی، سیدعباس، **اختلاط مفهوم اشاعه و شرکت در قانون مدنی ایران**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۶.

۲. موضوع مواد ۵۸۴ به بعد قانون تجارت.

۳. مواد ۵۸۴، ۵۸۵ و ۵۸۶ قانون تجارت و نیز آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی مصوب ۱۳۳۷.

۴. یادشده از آن در این مقاله با نام «قانون ۱۹۶۶».

قانون یادشده، «اشخاص حقیقی دارنده حرفه آزاد می‌توانند شرکت مدنی حرفه‌ای تشکیل دهند». اعمال قانون ۱۹۶۶ منوط به تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی شد.^۱ آیین‌نامه اجرایی^۲ ۸۶۸-۶۷ (مصوب ۱۹۶۷) آن قانون، مربوط به حرفه سردفتری است. قالب اصلی پیشنهادی قانون‌گذار برای اجرای مشارکتی «شرکت دارنده امتیاز سردفتری» می‌باشد که همان‌طور که از نام آن پیداست، این شرکت خود دارنده امتیاز سردفتری است. اما برای پایان دادن به این نگرانی که «سردفتران اجرای مشارکتی حرفه را نپذیرند، مگر در صورت حفظ امتیاز سردفتری و ازسرگیری اختیاری اجرای انفرادی»^۳ و نیز متقاعدساختن ایشان به پذیرش اجرای مشارکتی، «شرکت سردفتران» را پیش‌بینی نمود تا شرکای آن ضمن ورود به شرکت امتیاز سردفتری خود را حفظ نمایند.^۴ موضوع هر دو شرکت، اجرای مشترک حرفه است. مقررات باب شرکت قانون مدنی از ماده ۱۸۳۲ تا ۱۷-۱۸۴۴ و نیز شرکت مدنی از ماده ۱۸۴۵ تا ۱۸۷۰-۱، قواعد عام این شرکت را تشکیل می‌دهند.

نقاط مشترک فراوانی میان سردفتری ایران و فرانسه وجود دارد. نمی‌توان این تشابه را اتفاقی دانست، بلکه علت در این واقعیت نهفته است که سردفتری ایران الهام‌گرفته از مقررات فرانسوی می‌باشد. باوجوداین، سردفتر فرانسوی مدت‌هاست روش اجرای انفرادی را کنار گذاشته و به روش اجرای مشارکتی پیوسته است. اما سردفتر ایرانی در نبود اجرای مشارکتی برای انجام رسالت خویش، همچنان از روش انفرادی بهره می‌برد. تجربه حقوق فرانسه نشان می‌دهد که اجرای مشارکتی از یک سو تقسیم کار، تخصص‌گرایی، امکان جایگزینی آسان و در نتیجه استمرار امر حاکمیتی ثبت سند را به ارمغان می‌آورد و از سوی دیگر با وقوع ضرر، پشتیبانی شریک و شرکت و با بروز نارضایتی، ادامه فعالیت را ممکن می‌سازد. در این شرایط، مسئله، چرایی پذیرش شرکت سردفتری فرانسوی نیست، بلکه چگونگی پذیرش آن در حقوق ملی است.^۵ شاید بتوان از

۱. ماده ۱ ق ۱۹۶۶.

2. Décret d'application

۳. بخشنامه شماره ۲۱-۶۷ مکرر مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۷.

۴. ماده ۵ قانون ۱۹۶۶ و ماده ۹۰ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۵. برای مطالعه بیشتر در مورد چرایی اجرای انفرادی رک: سیدی آرانی، سیدعباس، **سردفتری ایران و ضرورت بازبینی در روش اجرای آن**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، ۱۳۹۸، شماره ۲، صص ۳۲۸-۳۱۱، ۳۱۷.

تجربیات ارزشمند حقوق فرانسه برای سازماندهی اجرای مشارکتی سردفتری با محور قراردادن امر حاکمیتی ثبت سند بهره برد.

نگارنده در تلاش است در پرتوی نمایندگی حاکمیت سردفتر به عنوان ویژگی انحصاری حرفه و با الگو قراردادن حقوق فرانسه و بهره‌مندی از آورده‌های تطبیقی، پیشنهادهایی را برای ایجاد قالبی نو و وضع مقرراتی سازگار ارائه و شرکت سردفتری را سازماندهی نماید؛ رسالت امر حاکمیتی ثبت سند، اقتضا می‌کند که سردفتر ایرانی تحت نظارت شدید نهادی از حاکمیت قرار داشته باشد. مناسب است قانون‌گذار در اجرای مشارکتی با وضع مقرراتی به نگرانی حاکمیت در خصوص خدشه به این نظارت پایان دهد. امر حاکمیتی دارای منفعت عمومی است و لازم است همگان از وجود آن بهره‌مند شوند. وقفه در آن نیز مانند نبود، مردم را کمابیش از وجودش بی‌بهره می‌کند. پس در اجرای مشارکتی سردفتری، لازم است وجود و استمرار امر حاکمیتی ثبت سند تضمین شود. مقرراتی برای تضمین هر دو مورد به قانون‌گذار پیشنهاد می‌کنیم.

۱. وضع مقرراتی برای لحاظ وجود امر حاکمیتی ثبت سند

در شرکتی با موضوع اجرای مشترک سردفتری، هدف شرکا، صرفاً اشتراک‌گذاری مال یا صنعت به منظور تقسیم منافع نیست، بلکه ایشان اعمال بخشی از حاکمیت یعنی ثبت سند را برعهده دارند. بی‌دلیل نیست که در اجرای انفرادی، حاکمیت در تمام مراحل وجودی سردفتری از آغاز تا پایان، حضوری همیشگی و همه‌جایی دارد؛ سردفتر را تعیین می‌کند،^۱ صلاحیتی گسترده در طول حیات آن دارد و موارد انتقال و انفصال سردفتران را نیز کنترل می‌کند.^۲ بنابراین لازم است در اجرای مشارکتی امکان دستیابی به حرفه در صلاحیت این مرجع باقی بماند و مقررات انضباطی و انتظامی سختگیرانه‌ای بر سردفتران حاکم باشد. هرچند مقررات اجرای مشارکتی در تعارض با حق کنترل حاکمیت بر سردفتری قرار نمی‌گیرند، مناسب است قانون‌گذار برای تضمین صلاحیت گسترده قوه قضائیه بر حرفه در مرحله تشکیل و در طول حیات شرکت تمهیداتی بیندیشد.

۱. ماده ۲ و ۱ قانون ۱۳۵۴.

۲. تبصره ۱ ماده ۴ آیین‌نامه قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفتر یاران مصوب ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ - یاد شده از آن در این مقاله با نام «آیین‌نامه ۱۴۰۰».

۱.۱.۱. در مرحله تشکیل شرکت

نظارت دقیق حاکمیت بر سردفتر اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه وی به امر حاکمیتی ثبت سند مبادرت می‌ورزد. اگر بناست شرکت سردفتری در حقوق ایران نیز پذیرفته شود، با الهام از مقررات اجرای انفرادی،^۱ ثبت شرکت سردفتری فقط با موافقت یا انتصاب توسط قوه قضائیه امکان‌پذیر باشد. نهاد حقوقی موردنظر ممکن است، خود دارنده امتیاز سردفتری یا متشکل از سردفتران باشد؛ کیفیت نظارت قوه قضائیه در هر مورد متفاوت خواهد بود.

۱.۱.۱.۱. شرکت دارنده امتیاز سردفتری

با پذیرش اجرای مشارکتی، موافقت قوه قضائیه برای انتصاب شرکت دارنده امتیاز سردفتری ضروری است. در واقع، مطالعه حقوق فرانسه نشان می‌دهد با اعطای امتیاز سردفتری به چنین شرکتی، شرکا فعالیت خود را در قالب امتیاز شرکت، به نام و برای آن انجام می‌دهند، هر چند شرکای آن سردفتران شاغل و نیز اشخاص واجد شرایط سردفتری باشند که مراحل آزمون را با موفقیت پشت‌سر گذاشته‌اند.^۲ البته امتیاز سردفتران شاغل به نفع شرکت حذف می‌شود؛ بدیهی است چنین شرکتی نمی‌تواند دارای چند امتیاز باشد. مشتری نیز به شرکت تعلق دارد و شرکا در بهره‌مندی از آن سهیم می‌شوند. شرکت نیز مبالغ پرداختی در قبال فعالیت شرکا را دریافت می‌کند.^۳ نمی‌توان مناسب تأسیس چنین شرکتی را به دلیل پیامدهای تشکیل آن برای سردفتران هم‌جوار و مشتری ایشان، به شرکا واگذار نمود. به‌ویژه که اگر شرکت در نتیجه واگذاری، حذف یا ایجاد امتیازات جدید سردفتری تشکیل شده باشد. مناسب است در این زمینه، برای حاکمیت، اختیارات گسترده و بی‌چون‌وچرا در نظر گرفته شود: از یک طرف، قوه قضائیه مناسب تشکیل شرکت را تشخیص دهد. از طرف دیگر، در صورت عدم پذیرش شرکت، درخواست‌کننده حق اعتراض نداشته باشد. هر انتصابی صرفاً با موافقت این مرجع پس از بررسی جوانب امر صورت خواهد پذیرفت.^۴ کانون سردفتران و دفتریاران در موضوع پذیرش شرکت، نظر مشورتی خواهد داد.^۵

۱. ماده ۲ قانون ۱۳۵۴.

۲. ماده ۳ قانون ۱۹۶۶ و ماده ۳ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۳. مواد ۳ و ۴ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

4. Lamboley, A., *Sociétés civile professionnelle.-Généralités.-Constitution*, J.-Cl Civil Code, Fasc.10,22 février 2006:n169et170.

۵. در اجرای انفرادی رک ماده ۳ قانون ۱۳۵۴.

در جای خود، رابطه اعتماد و اطمینان در سردفتری ثابت شده است. این ویژگی که بیشتر برای تضمین کیفیت ثبت سند است تا افزایش درآمد، می‌طلبد تا اعتماد کامل میان شرکا وجود داشته باشد. بنابراین، ضروری است تا درهای شرکت سردفتری به روی برخی از اشخاص بسته باشد. «رکن اصلی این شرکت‌ها- که از شرکت‌های اشخاص هستند، صلاحیت حرفه‌ای و اخلاقی و کیفیت فعالیت شرکاست. هرچند آورده در سرمایه ضرورت دارد، منتهی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد».^۱ این وضعیت، تنها به اشخاص واجد شرایط سردفتری اجازه ورود به شرکت را می‌دهد و افراد فاقد صلاحیت، مطلقاً از ورود به آن محروم خواهند بود.^۲ تصور نکنیم اشخاص اخیر می‌توانند در طول حیات شرکت، با خرید سهم‌الشرکه به شرکت راه پیدا کنند؛ لازم است نهادی از حاکمیت با رسالت بررسی شرایط شریک آینده به مسئله ورود کند. همان‌طور که تشکیل شرکت با ابلاغ قوه قضائیه ممکن می‌گردد، تمام تغییرات و اصلاحات بعدی نیز باید تحت نظارت این مرجع صورت پذیرد.

علاوه بر ثبت چنین شرکتی، پس از معرفی ضامن^۳ و نیز ارائه نمونه امضا، شرکا باید حق ثبت سند را داشته باشند. این مهم پس از اتیان سوگند امکان‌پذیر می‌شود.^۴ البته، سردفتر شریک که امتیاز خود را به شرکت آورده است، موظف به یادکردن دوباره سوگند نخواهد بود.^۵ به این دلیل ساده که پیش‌تر این مهم را انجام داده است. حال، این پرسش زمینه طرح می‌یابد که در صورت انجام این تشریفات توسط یک یا چند شریک، آیا شرکت خواهد توانست ثبت اسناد را آغاز نماید؟ پاسخ به نظر مثبت می‌رسد؛^۶ استمرار امر حاکمیتی ثبت سند چنین اقتضایی دارد.

۱.۱.۲. شرکت سردفتران

برای تشکیل شرکت سردفتران، موافقت قوه قضائیه ضرورت دارد؛ وضعیتی که از مقررات اجرای انفرادی الهام گرفته شده است. هرچند شرکای آن فقط سردفتران شاغل هستند^۷ و هر

1. Molle, de M, in , *JO. Déb. Parl., Sénat*, 27juin 1966:1023.

2. Terre, F, *Les sociétés civiles professionnelles (Commentaire de la loi du 29 novembre 1966)*, JCP, 1967-I-2103 : n 27.

۳. ماده ۱۵ آیین‌نامه ۱۴۰۰.

۴. در اجرای انفرادی اتیان سوگند با رعایت ماده ۱۶ قانون ۱۳۵۴ صورت می‌پذیرد.

۵. بند ۲ ماده ۱۷ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

6 Pillebout, J.F, *Société civile professionnelle titulaire d'un office notarial.-Statuts mis à jour après les décrets n° 87-172 du 13mars1987, n°88-815 du 12juillet 1988et n°92-64 du 20janvier1992*, JCP N 1992:n12.

۷. ماده ۵ قانون ۱۹۶۶ و ماده ۹۰ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

سردفتر با حفظ امتیاز، وظایفش را در شرایطی یکسان با سردفتری انفرادی انجام می‌دهد، منتهی شرکت از موافقت حاکمیت بی‌نیاز نخواهد بود؛ نمی‌توان مناسبت تشکیل شرکت را، به دلیل پیامدهای آن نسبت به امر حاکمیتی ثبت سند، به ابتکار شرکای آینده واگذار کرد. به‌ویژه اگر با تشکیل شرکت، تمام یا برخی از سردفتران جابه‌جا شوند.^۱ در حقوق فرانسه نیز وزارت دادگستری متولی انجام این مهم، یعنی ثبت شرکت سردفتران است.^۲

با الهام از مقررات ماده ۶۹ قانون ۱۳۵۴، می‌توان وضعیتی ایجاد کرد تا در طول حیات چنین شرکتی، شریک بازنشسته، بتواند امتیاز خود را به همراه سهام به شخص واجد شرایطی واگذار کند. در این صورت، مداخله قوه قضائیه در انتصاب شخص جدید به سمت سردفتری و موافقت برای ورود وی به شرکت الزامی خواهد بود. اگر شریک چنین شرکتی خواهان از سرگیری دوباره اجرای انفرادی باشد، می‌تواند با حفظ امتیاز و واگذاری تمام سهم خود به شرکت یا سایر شرکا، آن را ترک کند. با توجه به اینکه شرکای شرکت سردفتران، دارنده امتیاز خود باقی می‌مانند، مسئله انتقال دفترخانه در این صورت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که دخالت نهادی از حاکمیت برای ارزیابی مناسبت آن باید تضمین شود.^۳ ضمن اینکه، برای تأسیس شرکت سردفتران، اتیان سوگند موضوعیت نخواهد داشت؛ چراکه شرکای آن سردفتران شاغلی خواهند بود که پیش‌تر این مهم را به‌جا آورده‌اند.

موافقت یا انتصاب برای اعطای شخصیت حقوقی کفایت نمی‌کنند، بلکه آغاز تشریفات مربوط به کسب شخصیت حقوقی و اطلاع‌رسانی به اشخاص ثالث محسوب می‌شوند. شرکت سردفتری از این حیث، مشمول حقوق عام مؤسسات غیرتجارتی خواهد بود. برابر ماده ۵۸۴ قانون تجارت، این مؤسسات به محض ثبت در دفتر مخصوص تعیین‌شده توسط قوه قضائیه دارای شخصیت حقوقی می‌شوند. پس در تفاوت با شرکت‌های تجاری، این مؤسسات از زمان ثبت و نه از زمان تشکیل، دارای شخصیت حقوقی خواهند بود. وضعیتی که باید به آن خوشامد گفت؛ چراکه زمان دقیق ایجاد شخصیت حقوقی شرکت سردفتری را مشخص می‌نماید.

۱. تبصره ۱ ماده ۴ آیین‌نامه ۱۴۰۰.

2. Lefebvre, F, *Mémento pratique. Professions libérales*, Paris:Levallois-Perret (Hauts-de-Seine): F. Lefebvre, 2011-2012:n54300.

۳. تبصره ۱ ماده ۴ آیین‌نامه ۱۴۰۰.

۱.۲. در طول حیات شرکت

موضوع شرکت سردفتری، انجام حرفه سردفتری توسط شرکای آن است. هرچند که اصولاً مقررات حاکم بر سردفتران انفرادی، بر این شرکت و شرکای آن نیز اعمال خواهند شد،^۱ اما در اجرای مشارکتی درخصوص تغییر در تدابیر انضباطی و انتظامی حاکم بر شریک سردفتر نگرانی‌هایی وجود دارد. می‌توان با سازمان‌دهی صحیح اجرای مشارکتی این تدابیر را حفظ و حتی تقویت نمود.

۱.۲.۱. حفظ و گسترش تدابیر انضباطی

در اجرای مشارکتی حرفه سردفتری، این پرسش زمینه طرح می‌یابد که آیا تشکیل شرکت تغییری در مقررات انتظامی ایجاد می‌نماید یا خیر؟ به ویژه که این مسئله برای شرکای شرکت دارنده امتیاز سردفتری مورد توجه است؛ چراکه ایشان واجد امتیاز سردفتری نیستند و امتیاز به شرکت تعلق دارد. در مورد ایشان و به طریق اولی همتایان‌شان در شرکت سردفتران، پاسخ منفی است.^۲ دلیل اولویت در این واقعیت وجود دارد که شرکای سردفتر در شرکت دارنده امتیاز سردفتری جذب می‌شوند. در حالی که جذب ایشان در شرکت سردفتران کامل نیست. وضع مقررهای با این مضمون تردیدها را از بین خواهد برد: «مشروط به رعایت مقررات این قانون، تمام مقررات راجع به اجرای انفرادی سردفتری، به‌ویژه مقررات انضباطی بر شرکای شرکت دارنده امتیاز سردفتری و همتایان ایشان در شرکت سردفتران حاکم هستند».

در مقایسه با روش انفرادی، در اجرای مشارکتی حرفه، ضرورت تقویت تکالیف سردفتر شریک در ارتباط با انتظام خودنمایی می‌کند. این وضعیت به دلیل وجود شخص حقوقی و پیوندی است که به واسطه آن میان شرکا ایجاد می‌شود.^۳ ضروری است ممنوعیت‌های اجرای انفرادی که به دلیل امر حاکمیتی ثبت سند ایجاد شده‌اند، با اجرای مشارکتی سازگار شوند.^۴ می‌توان برای نمونه ممنوعیت‌ها و موارد رد سردفتر مندرج در ماده ۳۱ قانون ۱۳۵۴ را مطرح نمود.

۱. بند ۱ ماده ۴۸ و بند ۱ ماده ۱۱۶ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۲. Terre, F, *L'exercice en commun de la profession de notaire: sociétés de notaires (Commentaire du décret n° 67-868 du 2 octobre 1967)*, JCP N, 1970-I-2327: n 107.

۳. Lamboley, A., *Sociétés civiles professionnelles.-Relations internes et relations externes*, J.-CI Sociétés traité, Fasc. 191-11, 2 avril 2007: n138.

۴. Lamboley, A., *Sociétés civiles professionnelles.-Relations internes et relations externes*, J.-CI Sociétés traité, Fasc. 191-11, 2 avril 2007: n138.

برابر این مقرر: «سردفتران و دفتریاران نباید اسنادی را که مربوط به خود یا کسانی که تحت ولایت یا وصایت یا قیمومت آنها هستند و یا با آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم از طبقه سوم دارند یا در خدمت آنها هستند، ثبت نمایند و در صورتی که در محل دفترخانه دیگری نباشد، سند با حضور دادستان شهرستان محلی که دفترخانه در حوزه آن واقع است یا رئیس دادگاه بخش یا نماینده آنها با توضیح مراتب در ذیل آن در همان دفترخانه تنظیم و ثبت خواهد شد».

اجرای مشارکتی حرفه اقتضا می‌کند که موارد رد یک شریک سردفتر به تمام شرکا تسری یابد. در همین راستا، وضع چنین مقرره‌ای توصیه می‌شود: «ممنوعیت‌ها یا موارد رد مذکور در ماده ۳۱ قانون ۱۳۵۴، به شرکای شرکت دارنده امتیاز سردفتری تسری می‌یابد».^۱ در واقع، با وضع این مقرره، ممنوعیت‌ها و موارد رد یک شریک را به سایر شرکا گسترش و به این ترتیب، ممنوعیت‌ها افزایش می‌یابد. در این راستا باید حق کنترل همیشگی و گسترده‌ای در مورد موضوعات مرتبط با کارکرد شرکت را برای شریک به رسمیت شناخت.^۲ چنین حقی به او امکان می‌دهد تا از تمام دفاتر و اسناد شرکت اطلاع همیشگی داشته باشد.^۳ سردفتران شریکی که به این صورت از مشتری یکدیگر آگاهی دارند، خود را در موقعیتی قرار نخواهند داد که امکان ثبت سند نداشته باشند.

در صورتی که شرکت سردفتری تشکیل و در حوزه‌های ثبتی گسترش یابد، مسئله ثبت اسناد یک شخص حقوقی در شرکت سردفتری مطرح می‌شود. به موردی نظر داریم که یکی از خویشاوندان سردفتر در آن شخص حقوقی عضویت دارد. باید گفت اگر برای ثبت سند یک شخص حقوقی به سردفتر شریکی مراجعه شود و یکی از شرکای این شخص حقوقی از اقوام آن سردفتر باشد، او ممنوعیتی برای ثبت آن سند ندارد؛ چراکه شخصیت شرکت مستقل از شخصیت شرکاست. به این منظور، چنین مقرره‌ای پیشنهاد می‌شود: «هرچند سردفتران نباید اسنادی را ثبت نمایند که مربوط به خود یا کسانی که با آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم از طبقه سوم دارند، منتهی، سردفتر از پذیرش سندی ممنوع نیست که متعلق به شخص حقوقی می‌باشد

1. Pillebout, J.F, *Société civile professionnelle titulaire d'un office notarial.-Statuts mis à jour après les décrets n° 87-172 du 13 mars 1987, n° 88-815 du 12 juillet 1988 et n° 92-64 du 20 janvier 1992*, JCP N1992:n27.

2. Chardenon, P et de Mourzitch, J, *Les sociétés civiles professionnelles d'avocats : application du décret n° 72-669 du 13 juillet 1972*, JCP, 1972-1-2499, n°26.

3. Lamboley, Ibid, n37.

و یکی از خویشاوندان وی شریک آن است». البته به دلیل پذیرش نظریه «رکن» در سیستم حقوقی ایران به نظر می‌رسد اگر خویشانند موصوف به‌عنوان نماینده شخص حقوقی در آن سند دخالت داشته باشد، سردفتر شریک نمی‌تواند سند را ثبت کند.

۱.۲.۲. حفظ و گسترش تدابیر انتظامی

این پرسش در اجرای مشارکتی زمینه طرح می‌یابد که آیا تشکیل شرکت، مانع از مجازات‌های انتظامی نسبت به سردفتر شریک، به‌ویژه در شرکت دارنده امتیاز سردفتری می‌شود؟ پاسخ درمورد شرکای چنین شرکتی و به طریق اولی هم‌تایان ایشان در شرکت سردفتران منفی است.^۱ سردفتر شریک، به بهانه قرارگرفتن شخصیت وی در سایه وجود شرکت نخواهد توانست از مجازات بگریزد؛ چراکه فعالیت موضوع چنین شرکت‌هایی توسط سردفتر شریک انجام می‌پذیرد. مقرره‌ای بدین مضمون پیشنهاد می‌شود: «مشروط به رعایت مقررات این قانون، تمام مجازات‌های انتظامی حاکم بر سردفتر انفرادی بر شرکت دارنده امتیاز سردفتری، شرکای آن و هم‌تایان ایشان در شرکت سردفتران اعمال می‌شوند». مقرره‌ای که شرکت دارنده امتیاز سردفتری را نیز قابل مجازات می‌داند. البته از آنجا که در اجرای مشارکتی حرفه، میان عنوان سردفتر و شریک بودن ارتباط وجود دارد، آثار متفاوتی بر مجازات‌های انتظامی سردفتر شریک نسبت به هم‌تای وی در اجرای انفرادی مترتب می‌شود: از جمله اینکه، در اجرای مشارکتی شریک سردفتر همکار بدون نیاز به ابلاغ اداره ثبت جایگزین شریک منفصل می‌گردد.

مجازات انتظامی شریک - «لازم است شریک منفصل دائم عنوان سردفتر شریک و امکان ادامه فعالیت حرفه‌ای را از زمان اجرایی شدن تصمیم مربوط به انفصال از دست بدهد».^۲ بدین ترتیب، سردفتر شریک منفصل، به صورت قطعی از اجرای سردفتری محروم خواهد شد.^۳ او دیگر نقشی در شرکت بازی نخواهد کرد. درواقع، انفصال دائم،^۴ ارتباط میان عنوان شریک و سردفتر بودن را از بین می‌برد. پرواضح است که انفصال دائم، همیشگی است. شریک منفصل دائم دیگر امکان ورود به شرکت را نخواهد داشت تا در فعالیت حرفه‌ای، مشارکت داشته باشد و در نتایج

1. Terre, F, *L'exercice en commun de la profession de notaire : sociétés de notaires* (Commentaire du décret n°67-868 du 2 octobre 1967), JCP N, 1970-I-2327:107.

۲. ماده ۵۵ آیین‌نامه ۱۴۰۰.

۳. بند ۳ ماده ۲۴ قانون ۱۹۶۶.

۴. بند ۳ ماده ۲۴ قانون ۱۹۶۶؛ ماده ۵۸ آیین‌نامه ۱۹۶۷ و مواد ۳، ۲۳ و ۲۴ قانون ۲۸ ژوئن ۱۹۴۵.

حاصله سهیم شود. البته حق او نسبت به قیمت سهام به نرخ زمان واگذاری محفوظ باقی خواهد ماند. همچنین او نمی‌تواند به‌عنوان کفیل دفترخانه تعیین شود؛ وضعیتی که در مورد سردفتر منفصل موقت یا معلق نیز صادق است.^۱

مدت زمانی کم و بیش طولانی میان انتشار ابلاغ انفصال و تسویه کامل قیمت سهم‌الشرکه وجود دارد. شرکت مکلف است قیمت سهم‌الشرکه چنین شریکی را بپردازد، اما نمی‌توان او را در این بازه زمانی شریک شرکت دانست. وگرنه، به‌سختی می‌توان حقوق وی را نسبت به منافع سهم‌الشرکه در این مدت زمان نادیده گرفت. وضعیتی که مطلوب نیست: سایر شرکا در این مدت ملزم به تقسیم منافع شرکت با او خواهند بود.^۲ درحالی‌که پیامدهای زیان‌بار وضعیت وی نباید گریبان‌گیر سردفتران فعال در شرکت شود. این وضعیت به‌ویژه در شرکت سردفتری با موضوع اجرای مشترک حرفه پذیرفتنی نیست. لازم است قانون‌گذار برای پیشگیری از این پیامدها با وضع چنین مقرره‌ای چاره‌اندیشی نماید: «شریک دارنده سهم‌الشرکه از زمان ابلاغ حکم انفصال دائم، حقوق مربوط به عنوان شریک بودن خود، حتی منافع متعلق به سهام در سرمایه شرکت را از دست می‌دهد».

دیدگاه مخالفی نیز در حقوق فرانسه در این زمینه وجود دارد. به باور برخی از نویسندگان فرانسوی، شریک خارج شده از شرکت، دارنده سهم‌الشرکه‌ای است که دیگر عنوان شریک را به او نمی‌دهد. این وضعیت برای او تفکیکی میان «عنوان» و «مالیت» ایجاد می‌کند. سردفتر شریک منفصل دیگر مجاز به فعالیت در شرکت نیست. در این شرایط، منطقی است که مشارکت وی در مدیریت شرکت نیز پذیرفتنی نباشد. منتهی از آنجا که شرکت همچنان از آورده‌های نقدی و غیرنقدی وی بهره‌مند می‌شود، نمی‌توان او را از منفعت سهامش در سرمایه شرکت محروم ساخت. مابه‌ازای این بهره‌مندی، حق وی بر منفعت شرکت است.^۳ شریک برکنار شده

۱. بند ۳ ماده ۵۸ و ماده ۵۷ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۲. ماده ۳۲ آیین‌نامه ۱۹۶۷ و ۴ n3et 2007: Daigre.

۳. برای دیدن نظر مخالف، رک، Cass. Com, 2007.

3. Hovasse, H, note sous arrêt cass. Ire civ., 1er juillet 1997, Defrénois 1997, art. 36684,965.

سهمی از منافع شرکت را حتی پس از برکناری دریافت می‌کند؛ چراکه او دارنده سهم‌الشرکه و در نتیجه شریک است و این وضعیت تا زمان پابرجا بودن شراکت وی ادامه دارد.^۱

با پذیرش این دیدگاه، باید برای پیامدهای منفی آن چاره‌ای اندیشید تا دامن شرکای فعال در شرکت سردفتری را نگیرد. درست به همین دلیل دیوان عالی کشور فرانسه در پرونده‌ای با بهره‌گیری از اقتدار خود، سود شریک مستعفی را کاهش داده است؛^۲ حکمی منصفانه که توجیه حقوقی ندارد. ما پیشنهاد دیگری داریم: اگر بنا بر پذیرش این دیدگاه باشد، مناسب است در اساسنامه «سهام منفعت»، یعنی عوض آورده صنعت پیش‌بینی گردد. سهامی که با کناره‌گیری شریک از شرکت باطل می‌شود؛^۳ درواقع، به دلیل اختصاص سهام منفعت، شریک برکنار یا خارج می‌شود و دیگر قادر به همکاری نخواهد بود. می‌توان برای آورده صنعت جایگاه خوبی ایجاد نمود. این بخشی از فلسفه ایجاد چنین شرکتی است که باید به آن وفادار ماند. بدیهی است که این وضعیت سردفتران فعال در شرکت را تشویق خواهد نمود.

مجازات انتظامی شرکت - می‌توان با بهره‌گیری از وجود شخصیت حقوقی، شرکت سردفتری را موضوع مجازات انتظامی قرار داد. مناسب است با توجه به ویژگی‌های شرکت دارنده امتیاز سردفتری، به‌ویژه اینکه فعالیت حرفه‌ای توسط شرکا انجام می‌شود، قاعده «وابستگی تعقیب‌ها» را پذیرفت. چنین قاعده‌ای اقتضا می‌کند تمام شرکا تعقیب شوند تا بتوان شرکت را تحت تعقیب قرار داد.^۴ مقرره‌ای به این مضمون پیشنهاد می‌شود: «شرکت دارنده امتیاز سردفتری، مستقل از شرکا تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد». در این صورت، قانون‌گذار بهره‌حداقلی از وجود شخصیت حقوقی شرکت خواهد برد. امکان بهره‌گیری کامل از شخصیت حقوقی نیز وجود دارد: برابر قاعده دیگر معروف به «استقلال تعقیب‌ها»، امکان تعقیب انتظامی و حتی گرفتن حکم محکومیت شرکت وجود دارد، بدون اینکه نیاز به تعقیب شرکا باشد. عکس این معادله نیز صادق است.^۵ در

1. Jadaud, B, *Le droit aux bénéfices sociaux du notaire associé retiré de la SCP (à propos de cass. 1^{re} civ., 1^{er} juillet 1997)*, JCP N 1997,1385.

2. Cass. 1^{re} civ., 1^{er} juillet 1997, n° de pourvoi : 95-17423.

۳. سیدی آرائی، سید عباس، *شرکت مدنی حرفه‌ای سردفتری، از پیدایش در فرانسه تا پذیرش در ایران*، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰.

4. Pillebout, J.F, *Société civile professionnelle titulaire d'un office notarial.-Statuts mis à jour après les décrets n° 87-172 du 13 mars 1987, n° 88-815 du 12 juillet 1988 et n° 92-64 du 20 janvier 1992*, JCP N1992 : n21.

5. Behin, J, *Les sociétés civiles professionnelles notariales*, 4e rapport au 67e congrès des Notaires, in «Théorie et Pratique des sociétés civiles», Paris:Librairies techniques,1970, 629.

موضوع شرکت سردفتران، مناسب است قانون‌گذار بدون بهره‌مندی از وجود شخصیت حقوقی، هیچ مجازاتی در نظر نگیرد؛ چراکه جذب شرکا در چنین شرکتی کامل نیست. به این ترتیب، در شرکت سردفتران فقط شرکا مسئول شناخته خواهند شد.

اگر شرکت دارنده امتیاز سردفتری منفصل شود، انحلال آن اجتناب‌ناپذیر است.^۱ این مجازات انتظامی هرگز با تعلیق اشتباه نمی‌شود؛ تعلیق، کارکرد معمولی شرکت را متوقف می‌کند،^۲ اما سبب انحلال آن نمی‌شود.^۳ در چنین شرکتی، به دلایل پیش‌گفته، انفصال و تعلیق اجرای انفرادی^۴ ممکن است دامنگیر شریک یا شرکت شوند. البته ممنوعیت شرکت و عدم منع شرکا کاملاً جنبه تئوری دارد.^۵ وضعیت در شرکت سردفتران متفاوت خواهد بود؛ چراکه تنها شرکای آن با چنین مجازات‌هایی مواجه می‌شوند.^۶ خاطرنشان می‌کنیم شرکت سردفتران امتیازی سردفتری ندارد و مجازات انتظامی آن ممکن نیست.

۲. وضع مقرراتی برای لحاظ استمرار امر حاکمیتی ثبت سند

استمرار یکی از اصول مرتبط با امور حاکمیتی است. ثبت سند که منفعت عمومی به همراه دارد، نیز در دایره مشمول این اصل قرار می‌گیرد. قانون‌گذار حساسیت خود را در این موضوع و درخصوص سردفتری انفرادی در بند ۱۶ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا سال ۱۳۶۶ بدین صورت نشان داده است: سردفتر باید همیشه در دفترخانه حضور پیدا کند، هرچند مشتری نداشته باشد. در اجرای مشارکتی نگرانی‌هایی در موضوع استمرار امر حاکمیتی ثبت سند به دلیل غیبت سردفتر شریک و انحلال شرکت وجود دارد. سازمان‌دهی دقیق اجرای مشارکتی تا حد قابل توجهی آن را رفع می‌کند. البته، مسئله وقفه در امر حاکمیتی ثبت سند به طور کامل حل نمی‌شود.

۱. بند ۱ ماده ۷۷ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

2. Maury, F, *L'exercice, sous la forme d'une société, d'une profession libérale réglementée*, Aix-en-Provence : Presses universitaires d'Aix-Marseille, 2000:253.

۳. ماده ۲۵ قانون ۱۹۶۶.

۴. ماده ۱۲ قانون ۱۳۵۴.

5. Pillebout, J.F, et Corre, M, *Notariat.-Sociétés civiles professionnelles.-Sociétés de notaires*, J.-Cl Notarial Formulaire, Fasc. 230, 1septembre2004 :n109.

۶. بند ۱ ماده ۱۲۴ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۲.۱. در زمان غیبت سردفتر

۲.۱.۱. چالش‌های اجرای انفرادی

در مواردی سردفتر شریک مانند سردفتر انفرادی به دلیل اضطراری مانند بیماری از انجام وظیفه بازمی‌ماند.^۱ البته هیچ‌چیز مانع از غیبت او به دلیلی کاملاً ارادی نیست. در این موارد، برای او کفیلی تعیین می‌شود. در اجرای انفرادی، مجازات‌های انتظامی، تعلیق و انفصال را در پی دارد. درست است که مشابه همین مجازات‌ها در اجرای مشارکتی سردفتری نیز وجود خواهد داشت اما پیامد این مجازات‌ها درخصوص سردفتر مجازات‌شده و دفترخانه وی، یکسان نیست.

در اجرای انفرادی، با اعمال یکی از این مجازات‌ها، براساس مقررات حاکم کفیلی بر دفترخانه تحمیل می‌شود. برای نمونه، اداره ثبت در صورت غیبت موقت سردفتر، کفیلی تعیین می‌نماید.^۲ درست است که مرجع مذکور در موارد غیبت دائم سردفتر نظیر انفصال دائم، جانشینی معین می‌کند،^۳ اما به‌منظور تکمیل اسناد در مدت موقت میان تعطیلی دفتر و تعیین جانشین، انتخاب کفیلی توسط این مرجع ضروری است.^۴ برای تضمین استمرار ثبت سند،^۵ کفیل باید دارای شرایط لازم برای انجام رسالت سردفتری باشد.^۶

در سیستم حقوق ملی، برابر اصول کلی در موارد مرخصی یا غیبت رئیس مجموعه، باید معاون به صورت خودکار جانشین وی شود. این وضعیت در زمان حاکمیت قانون دفاتر اسناد رسمی-مصوب ۱۳۱۶- در روابط سردفتر و دفتریار نیز وجود داشت،^۷ اما عنوان نمایندگی دفتریار اول، واضعان آیین‌نامه را بر آن داشت تا برای هر مرخصی سردفتر، صدور ابلاغ از جانب اداره ثبت اسناد و املاک را ضروری بدانند.^۸ به این صورت، امکان جانشینی خودکار حذف گردید؛ وضعیتی که تشریفات اداری کم و بیش طولانی را می‌طلبد. این واقعیت که برای دستیابی به

۱. ماده ۶۱ آیین‌نامه ۱۴۰۰.

۲. مواد ۱۳ و ۱۴ قانون ۱۳۵۴.

۳. ماده ۶۹ قانون ۱۳۵۴.

۴. ماده ۵۵ آیین‌نامه ۱۴۰۰.

۵. تبصره ماده ۷ قانون ۱۳۵۴.

۶. تبصره ماده ۷ قانون ۱۳۵۴.

۷. ماده ۲۵ نظام‌نامه قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶.

۸. ماده ۱۳ آیین‌نامه ۱۳۵۴ و بند ۲ قسمت الف ماده ۶۰ آیین‌نامه ۱۴۰۰.

سمت سردفتری، دفتریار باید شرایط آن را داشته باشد،^۱ در حالی که تمام دفتریاران این شرایط را ندارند، دلیل دیگری بر تأیید این ادعاست.

این پرسش زمینه طرح می‌یابد که در صورت غیبت کمتر از یک روز سردفتر، به چه نحو عمل می‌شود؟ در این مورد، چون معمولاً دلایل غیبت سردفتر غیرقابل پیش‌بینی هستند، او نمی‌تواند از پیش، تقاضای ابلاغ مرخصی نماید. به باور برخی، در این مورد خاص دفتریار به صورت خودکار جانشین سردفتر خواهد شد؛ زیرا قانون دفاتر اسناد رسمی در این مورد پیش‌بینی خاصی ندارد. بنابراین باید به مقررات پیشین مانند نظام‌نامه قانون دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۱۳۱۶- مراجعه نمود. برابر با ماده ۲۵ آن، در صورت غیبت کمتر از یک روز سردفتر، دفتریار به صورت خودکار جانشین وی می‌شود.^۲

ما هرگز به این دیدگاه نمی‌پیوندیم؛ چراکه در تضاد با تبصره ماده ۷ قانون ۱۳۵۴ قرار می‌گیرد. برابر این مقرر، «کفیل دفترخانه باید واجد همان شرایطی باشد که برای سردفتر مقرر است». در حالی که تمام دفتریاران واجد شرایط سردفتری نیستند. پذیرش نظر مخالف مستلزم آن است که دفتریار فاقد شرایط سردفتری، برای مدتی هرچند کوتاه، بر کرسی سردفتری تکیه زند. علاوه بر این، دیدگاه یادشده، عبارات عام به‌کاررفته در بند ۵ قسمت ب ماده ۶۰ آیین‌نامه ۱۴۰۰ را نادیده می‌گیرد. برابر مقررۀ اخیر، «در موارد مرخصی و معذوریت و تعلیق و انفسال موقت سردفتر کفیل دفترخانه از بین دفتریاران واجد شرایط سردفتری و یا سردفتران همان حوزه ثبتی توسط اداره ثبت منطقه تعیین می‌گردد». پس این دیدگاه به صورت آشکاری با روح و حتی صراحت مقررات حاکم مخالفت می‌کند. این وضعیت ریشه در خنثی‌کنندگی متقابل دو عنوان معاونت و نمایندگی دفتریار دارد که منشأ ایجاد مشکلات متعددی در دفتر اسناد رسمی است.^۳

۲.۱.۲. راهکارهای اجرای مشارکتی

شرکت سردفتری از سردفتران شریک تشکیل می‌شود و درهای آن به روی دفتریاران بسته است. این وضعیت فرصتی برای جانشینی مطلوب ایجاد می‌کند؛ در سیستم حقوقی فرانسه،

۱. تبصره ماده ۷ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران، مصوب ۱۳۵۴.

۲. رک فدوی، سلیمان، *تعارض قوانین در حقوق ایران با تکیه بر احوال شخصیه*، تهران: طرح نوین اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۵، شماره ۵۴، صص ۲۱۸ به بعد.

۳. سیدی آرانی، سید عباس، ۱۳۹۸، *مطالعه تطبیقی سردفتری فرانسه و ایران (به دو زبان فرانسوی و فارسی)*، تهران: نشر مخاطب، چاپ اول، ص ۳۱۷.

مقررات اجرای مشارکتی در موارد اضطراری یا غیبت سردفتر، با پیش‌بینی «کفیل» مسئله را حل می‌کنند. اما راهکار، حسب آن متفاوت است که چه تعداد شرکا قادر به انجام فعالیت نیستند: در صورتی که یک یا چند شریک به دلیل اضطراری قادر به انجام فعالیت نباشند، نیازی به تعیین کفیل نیست؛ چراکه شرکای دیگر جانشین وی می‌شوند.^۱ اما اگر به‌طور هم‌زمان این اتفاق برای تمام شرکا بیفتد، مدیریت دفترخانه مشمول قوانین جاری خواهد بود.^۲ اگر بناست در حقوق ملی شرکت سردفتری پذیرفته شود، مناسب است با الهام از مقررات اجرای انفرادی در صورت تعلیق یا انفصال موقت سردفتر شریک، دفترخانه به کفالت اداره شود.^۳ کفیل می‌تواند سردفتر همان حوزه ثبتی یا دفتریار واجد شرایط سردفتری باشد.^۴

البته در مقررات اجرای مشارکتی در موضوع تعیین کفیل با اطمینان از وجود شخصیت حقوقی، مناسب است دو فرض از یکدیگر تفکیک شوند: «اگر یک یا چند شریک و نه همه شرکا یا شرکت با محکومیت انتظامی روبرو شوند، کفیلی تعیین نخواهد شد». در نتیجه، «اگر یکی از شرکا فاقد محکومیت انتظامی باشد و بتواند سند ثبت نماید، دیگر شرکت ممنوع از فعالیت نخواهد بود»؛^۵ به عبارتی چنین شرکتی، بدون حضور کفیل به فعالیت خود ادامه می‌دهد. برعکس، اگر «شرکت یا تمام شرکا محکومیت انتظامی داشته باشند، یک یا چند کفیل برای ثبت اسناد تعیین می‌شود...». هیچ مانعی وجود ندارد تا چند کفیل برای شرکت‌های مهم انتخاب شوند.^۶

در اجرای انفرادی سردفتری ایران، «درمورد تعلیق یا انفصال موقت سردفتر که دفترخانه به کفالت اداره می‌شود، درآمد دفترخانه پس از وضع هزینه بین کفیل و سردفتر معلق یا منفصل بالسویه تقسیم خواهد شد».^۷ وجود شخصیت حقوقی شرکت، نبود چنین قاعده‌ای در مقررات حاکم بر اجرای مشارکتی را توجیه خواهد کرد:^۸ شریک معلق یا منفصل موقت «در مدت تعلیق و

۱. بند ۱ م ۶۰ و بند ۱ ماده ۱۲۵ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۲. بند ۲ ماده ۶۰ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۳. م ۴۷ قانون ۱۳۵۴.

۴. م ۶۳ و ۶۴ آیین‌نامه ۱۴۰۰.

۵. بخشنامه شماره ۲۱-۶۷ مکرر مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۷.

6. Terre, F, *L'exercice en commun de la profession de notaire : sociétés de notaires (Commentaire du décret n° 67-868 du 2 octobre 1967)*, JCP N, 1970-I-2327:122.

۷. ماده ۴۷ قانون ۱۳۵۴.

8. Ibid.

انفصال موقت، عنوان شریک بودن خود را با تمام حقوق و تکالیف ناشی از آن نگه می‌دارد. با وجود این، سهم وی در منافع تا نصف کاهش می‌یابد. نصف دیگر به صورت مساوی به کفیل شرکت و در صورت عدم تعیین آن، به شرکایی اختصاص خواهد یافت که معلق یا منفصل نشده‌اند.^۱ با این سازمان‌دهی، دیگر غیبت موقت سردفتر به‌عنوان مانعی در مسیر استمرار ثبت سند قرار نمی‌گیرد.

شرکت سردفتری با تعلیق یا انفصال موقت شرکا، منحل نخواهد شد و شرکای دیگر عهده‌دار اداره امور خواهند بود. حتی در شرکت سردفتران، با مجازات انتظامی یک یا چند شریک، شرکای دیگر کفیل دفترخانه او خواهند بود، مگر اینکه سایر شرکا نیز منفصل (موقت یا دائم) باشند.^۲ در شرکتی که هر شریک دفترخانه خود را دارد، این راهکار منطقی به نظر می‌رسد.^۳ در مورد نادری که تمام شرکای شرکت سردفتری معلق یا منفصل موقت باشند، یک یا چند کفیل خارج از شرکت به‌عنوان جانشین معرفی خواهند شد. کفیل باید از میان سردفتران یا دفتریاران واجد شرایط سردفتری انتخاب شود.

همین وضعیت در صورت انفصال دائم یک یا چند شریک حاکم خواهد بود و در این مورد تفاوتی میان نوع شرکت سردفتری وجود ندارد.^۴ البته اگر این مجازات انتظامی دامن تمام شرکا را بگیرد، چاره‌ای جز پذیرش انحلال شرکت نیست.^۵ حتی اگر تمام شرکای این شرکت‌ها، به استثنای یکی منفصل دائم شوند، باز شرکت منحل می‌گردد؛ چراکه در حقوق ایران اجتماع سهام در دستان یک شریک موجب انحلال خودکار شرکت است.^۶

۲.۲. در موضوع انحلال شرکت

قابلیت دوام شرکت به معنای مصونیت آن در برابر انحلال نیست. مناسب است برای کاهش احتمال انحلال در شرکتی با ویژگی حرفه‌ای، برخی اسباب انحلال شرکت‌های اشخاص در

۱. بند ۲ ماده ۵۹ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۲. بند ۲ ماده ۱۲۲ آیین‌نامه ۱۹۶۷ (ممنوعیت)، بند ۲ ماده ۱۲۳ آن (انفصال) و بند ۱ ماده ۱۲۴ آن (تعلیق).

۳. Terre, F, *L'exercice en commun de la profession de notaire : sociétés de notaires* (Commentaire du décret n° 67-868 du 2 octobre 1967), JCP N, 1970-I-2327 : 190.

۴. بند ۱ ماده ۲۴ قانون ۱۹۶۶.

۵. بند ۱ ماده ۷۷، بند ۳ ماده ۱۲۳ و ماده ۱۳۱ آیین‌نامه ۱۹۶۷.

۶. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری*، جلد ۱، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱، ص ۲۰۶.

موضوع اعمال نشوند.^۱ می‌توان اسباب انحلال شرکت را به عینی و شخصی تقسیم کرد. ارادهٔ شرکا در اسباب عینی تعیین‌کننده نیست، ولی در اسباب شخصی، نقشی کمابیش تعیین‌کننده دارد.

۲.۲.۱. کاهش اسباب انحلال

پیش از هرچیز خاطر نشان می‌کنیم، در حقوق ایران، تحقق یا پایان موضوع شرکت از اسباب انحلال شرکت‌های اشخاص هستند.^۲ این اسباب در شرکت سردفتری موضوعیت نخواهند داشت؛ چراکه موضوع چنین شرکتی، اجرای مشترک حرفه است. صرف تعلیق یا انفصال موقت شریک یا شرکت، موجب انحلال نخواهد شد.^۳ سوای اینکه، با بهره‌گیری از حقوق فرانسه، می‌توان با وضع مقرراتی برخی اسباب عینی انحلال را از کارایی انداخت؛ می‌توان پیش‌بینی نمود که فوت، عدم اهلیت، کناره‌گیری و انفصال دائم یک یا چند شریک، سبب انحلال شرکت سردفتری نشوند، مشروط بر اینکه این اتفاقات دامن‌گیر حداقل دو شریک نشده باشد.^۴ وضعیتی که هرچند در تعارض با مقررات شرکت‌های اشخاص قرار دارد،^۵ با آمریت استمرار امر حاکمیتی ثبت سند توجیه می‌شود.

لازم است شرکایی که تصمیم به انحلال پیش از موعد شرکت می‌گیرند با شرایط دشواری روبرو شوند؛ چراکه انحلال یک شرکت حرفه‌ای، پیامدهای سنگینی برای شرکا دارد.^۶ انحلال پیش از موعد ممکن است طومار شرکا، به‌ویژه اقلیت را که رأی کافی برای مخالفت با آن ندارند، در هم بیچد.^۷ به همین دلیل پیشنهاد می‌شود، انحلال پیش از موعد با اجماع شرکا امکان‌پذیر باشد.^۸ تضمین استمرار امر حاکمیتی ثبت سند می‌طلبد که نه‌تنها شریک عامل نارضایتی نتواند انحلال شرکت را درخواست کند، بلکه حتی به پرداخت خسارت نیز محکوم گردد.

1. Lamboley, A, *Sociétés civiles professionnelles.-Dissolution*, J.-Cl Sociétés Traité, Fasc. 191-13, 30 juin 2010: n 3.

۲. ماده ۱۳۶ قانون تجارت.

3. Maury, F, *Sociétés civiles professionnelles*, Rép. Sociétés Dalloz, janvier 2009: n 133.

۴. ماده ۲۴ قانون ۱۹۶۶.

۵. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری*، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸.

6. Lamboley, A, *Sociétés civiles professionnelles.-Dissolution*, J.-Cl Sociétés Traité, Fasc. 191-13, 30 juin 2010: n 19.

7. Maury, F, *L'exercice, sous la forme d'une société, d'une profession libérale réglementée*, Aix-en-Provence : Presses universitaires d'Aix-Marseille, 2000 :252.

8. Marnierre, E, *Le guide pratique des SCP notariales*, Paris : édition du JNA, 1992 :33.

اگر با وجود تمام این تدابیر باز هم شرکت منحل شد، اتخاذ تمهیداتی برای استمرار امر حاکمیتی ثبت سند اجتناب‌ناپذیر می‌شود. البته در مواردی انحلال شرکت بدون درگیر شدن در موضوع تصفیه صورت می‌گیرد و این واقعیتی است برای ادغام و تجزیه که موجب انتقال دارایی شرکت اصلی به صورت کلی و همه‌جانبه به شرکت‌های متولد از ادغام یا تجزیه می‌شود.^۱ در موضوع شرکت‌های سردفتری، انحلال باید معلق بر تحقق قطعی عملیات صورت پذیرد: انحلال، منوط به انتصاب شرکت جدید حاصل از عملیات ادغام یا شرکت‌های ایجاد شده از عملیات تجزیه توسط قوه قضائیه خواهد بود.

۲.۲.۲. تعیین مدیر تصفیه حرفه‌ای

در اجرای مشارکتی، در مواردی ممکن است انحلال، تصفیه شرکت را به همراه داشته باشد؛ ضروری است استمرار امر حاکمیتی ثبت سند در روزهای تصفیه نیز تضمین شود. در واقع، در چنین شرکتی تصفیه فقط تقسیم باقی‌مانده حاصل از اخذ طلب و پرداخت بدهی میان شرکا نیست، بلکه کارکرد موقتی دفترخانه نیز است. بنابراین، مدیر تصفیه باید سردفتر باشد تا در نبود سردفتران شریک، اسناد نیمه تمام را تکمیل کند.

از ماده ۱۰ آیین‌نامه ۱۳۳۷ استنباط می‌شود که امکان انتخاب یک غیرحرفه‌ای به‌عنوان مدیر تصفیه وجود دارد؛ لازم است مدیر تصفیه چنین شرکتی، سردفتر یا دفتریار واجد شرایط سردفتری باشد. در غیراین صورت، اقتدار حاکمیت و منافع مشتری سخت به‌خطر خواهند افتاد. به‌علاوه، واگذاری وظیفه کفالت دفترخانه و تصفیه شرکت به «مدیر تصفیه»، امور را تسهیل خواهد کرد. راهکار دیگر، یعنی اعطای این دو عنوان به دو شخص متفاوت، علاوه بر هزینه‌بر بودن، اختلاف مدیر تصفیه و کفیل را به همراه خواهد داشت.^۲ در نهایت، مناسب است تاریخ پایان رسالت مدیر تصفیه با تاریخ اتیان سوگند جانشین شرکت، هم‌زمان باشد تا امر حاکمیتی ثبت سند بدون وقفه ادامه یابد. در واقع، شرکت سردفتری ممکن است به پایان خود برسد اما امر حاکمیتی ثبت سند همچنان ادامه یابد.

۱. همان، ص ۵۵؛ سیدی آرانی، سید عباس، مقایسه تطبیقی پیشگیری از ورشکستگی شرکت تجاری

در بحران عمومی، حقوق اسلامی، دوره ۱۷، ۱۳۹۹، شماره ۶۴، صص ۹۷-۱۲۲، ۱۰۳.

2. Bonneau, T, *Sociétés civiles professionnelles de notaires.- Sociétés titulaires d'un office.- Disparition*, J.-Cl. Sociétés Traité, Fasc. 191-18, 1 mars 2003, n 31 et 32.

نتیجه گیری

از زمان واگذاری ثبت سند به نهادی از بخش خصوصی، همواره درمورد سرنوشت امر حاکمیتی ثبت سند و استمرار آن نگرانی وجود دارد. حضور الزامی دفتریار در کنار سردفتر تبلوری از این نگرانی‌هاست. اراده قانون‌گذار بر نظارت مستقیم او بر این امر به‌عنوان نماینده حاکمیت تعلق گرفته است. منتهی حضور دفتریار که عنوان معاونت دفترخانه را نیز دارد، تعارض منافع و یک نوع رقابت منفی در دفترخانه ایجاد نموده است. تحقق آرمان‌ها نیاز به قالبی مناسب برای ظهور و بروز دارد و با صرف دستور محقق نمی‌شود؛ اینکه سردفتر مکلف به حضور همیشگی در دفترخانه باشد، رؤیایی است که در اجرای انفرادی تحقق نمی‌یابد؛ صلاحیت متفاوت دفتریار وضعیتی را ایجاد کرده است که در نبود سردفتر امکان جایگزینی آسان وجود نداشته باشد و در استمرار عمل حاکمیتی ثبت سند به‌دفعات وقفه ایجاد شود. الزام به اسکن انگشت سردفتر آخرین تلاش حاکمیت است تا وی را در مجموعه دفترخانه نگه دارد؛ تلاشی نافرجام که غیر از توهین به نماینده حاکمیت (سردفتر) رهاورد دیگری نداشته است. شکستن قالب کهنه اجرای انفرادی و پذیرش اجرای مشارکتی دفترخانه را عرصه تحقق آرمان‌ها می‌کند.

می‌توان در «صدف کوچک شرکت سردفتری» امر حاکمیتی ثبت سند را تضمین نمود و حتی آن را استمرار بخشید، البته اگر قانون‌گذار در ایجاد و سازمان‌دهی شرکت سردفتری، نمایندگی حاکمیت سردفتر را نقطه پرگار قرار دهد و اجتماع سردفتران و امتیازات قالب شرکت را غنیمت شمارد؛ حضور سردفتران شریک شرایطی را ایجاد می‌کند تا اقتدار حاکمیت در موضوع انتظام و انضباط، موافقت و انتصاب، انتقال و انفصال دست‌نخورده باقی بماند: شرکت ساختار را دگرگون نمی‌کند بلکه قالب را تغییر می‌دهد. وجود شخصیت حقوقی و پیوندی که میان شرکا ایجاد می‌کند، فرصتی است تا از یک‌سو موارد رد یک شریک سردفتر به دیگری گسترش یابد و از سوی دیگر در نبود یک یا چند شریک سردفتر، فعالیت شرکت با کفالت سایر شرکا ادامه یابد. در این میان دوام شخصیت حقوقی موقعیتی ایجاد می‌کند تا دفترخانه به دلیل فوت، انفصال و غیبت شرکای سردفتر تعطیل نگردد. قالب انعطاف‌پذیر شرکت، شرایطی را برای کاهش اسباب انحلال شرکت و از بین رفتن اثر قهقرایی بطلان در ارتباط با نهادی با موضوع اعمال بخشی از حاکمیت فراهم می‌کند. در این وضعیت، حتی در صورت انحلال شرکت نگرانی خاصی وجود ندارد: می‌توان از مدیر تصفیه واجد شرایط سردفتری بهره برد تا امر حاکمیتی ثبت سند در آخرین

روزهای حیات دفترخانه با وقفه روبه‌رو نشود. می‌توان قطعیت امر تصفیه را منوط به اتیان سوگند جانشین شرکت نمود تا پایان دفتر اسناد رسمی نیز به معنای تعطیلی امر ثبت سند نباشد. بهره‌مندی مناسب از این فرصت استثنایی منافع همگان را تأمین خواهد کرد: حاکمیت، نماینده حاکمیت و مشتری؛ هریک بهره خود را از آن خواهد برد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری*، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
۲. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری*، جلد ۱، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱.
۳. سیدی آرانی، سید عباس، *شرکت مدنی حرفه‌ای سردفتری، از پیدایش در فرانسه تا پذیرش در ایران*، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۴. -----، *مطالعه تطبیقی سردفتری فرانسه و ایران (به دو زبان فرانسوی و فارسی)*، تهران: نشر مخاطب، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۵. فدوی، سلیمان، *تعارض قوانین در حقوق ایران با تکیه بر احوال شخصیه*، تهران: طرح نوین اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۵.

مقاله

۶. سیدی آرانی، سید عباس، *مقایسه تطبیقی پیشگیری از ورشکستگی شرکت تجاری در بحران عمومی، حقوق اسلامی*، دوره ۱۷، ۱۳۹۹، شماره ۶۴، صص ۹۷-۱۲۲.
۷. -----، *سازمان‌دهی مؤسسات حقوقی در پرتوی موضوع فعالیت*، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۹، شماره ۹۰، صص ۲۰۷-۲۳۳.
۸. -----، *سردفتری ایران و ضرورت بازبینی در روش اجرای آن*، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، ۱۳۹۹، شماره ۲، صص ۳۱۱-۳۲۸.

ب) منابع فرانسوی

Livres

9. Lefebvre, F, *Mémento pratique. Professions libérales*, Paris: Levallois-Perret (Hauts-de-Seine): F. Lefebvre, 2011-2012.
10. Marnierre, E, *Le guide pratique des SCP notariales*, Paris: édition du JNA, 1992.

11. Maury, F, *L'exercice, sous la forme d'une société, d'une profession libérale réglementée*, Aix-en-Provence : Presses universitaires d'Aix-Marseille, 2000.
12. Behin, J, *Les sociétés civiles professionnelles notariales*, 4^e rapport au 67^e congrès des Notaires, in «Théorie et Pratique des sociétés civiles», Paris : Librairies techniques, 1970.

Articles:

13. Bonneau, T, *Sociétés civiles professionnelles de notaires.-Sociétés titulaires d'un office.-Disparition*, J.-Cl. Sociétés Traité, Fasc. 191-18, 1 mars 2003.
14. Chardenon, P et de Mourzitch, J, *Les sociétés civiles professionnelles d'avocats: application du décret n 72-669 du 13 juillet 1972*, JCP, 1972-I-2499.
15. Daigre, J.J., *Le notaire destitué perd sa qualité de notaire, mais ne perd sa qualité d'associé de la SCP qu'après avoir cédé ses parts sociales*, note sous arrêt cass. com., 22 mai 2007, n de pourvoi : 06-12. 193, Bull. Joly, 1 octobre 2007.
16. Hovasse, H, *note sous arrêt cass. 1^{re} civ., 1^{er} juillet 1997*, Defrénois 1997, art. 36684.
17. Jadaud, B, *Le droit aux bénéfices sociaux du notaire associé retiré de la SCP (à propos de cass. 1^{re} civ., 1^{er} juillet 1997)*, JCP N 1997.
18. Lamboley, A, *Sociétés civile professionnelle.-Généralités.-Constitution*, J.-Cl Civil Code, Fasc.10, 22 février 2006.
19. Lamboley, A, *Sociétés civiles professionnelles.-Relations internes et relations externes*, J.-Cl Sociétés traité, Fasc. 191-11, 2 avril 2007.
20. Lamboley, A, *Sociétés civiles professionnelles.-Dissolution*, J.-Cl Sociétés Traité, Fasc. 191-13, 30 juin 2010.
21. Maury, F, *Sociétés civiles professionnelles*, Rép. Sociétés Dalloz, janvier 2009.
22. Molle, de M, in , *JO. Déb. Parl., Sénat*, 27 juin 1966 :1023.
23. Pillebout, J.F, et Corre, M, *Notariat.-Sociétés civiles professionnelles.- Sociétés de notaires*, J.-Cl Notarial Formulaire, Fasc. 230, 1 septembre 2004.
24. Pillebout, J.F, *Société civile professionnelle titulaire d'un office notarial.- Statuts mis à jour après les décrets n 87-172 du 13 mars 1987, n 88-815 du 12 juillet 1988 et n 92-64 du 20 janvier 1992*, JCP N 1992.
25. Terre, F, *Les sociétés civiles professionnelles (Commentaire de la loi du 29 novembre 1966)*, JCP, 1967-I-2103.
26. Terre, F, *L'exercice en commun de la profession de notaire: sociétés de notaires (Commentaire du décret n 67-868 du 2 octobre 1967)*, JCP N, 1970-I-2327.